

# چه کسی گفت جمع کنید از ایران بروید؟

مهاجرت ورزشکاران ایرانی در سال‌های اخیر شیب تندتری به خود گرفته است. دست‌کم اینکه مهاجرت «نخبه‌های ورزشی» چنین شده و در مقایسه با دهه‌های گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای دارد. هرچند این پدیده جدیدی نیست و از دیرباز رواج داشته است. فضای مجازی و سرعت انتشار اخبار در قیاس با سال‌های دور هم به این فضا بیشتر دامن زده است. با این حال، حتی اگر پدیده مهاجرت ورزشکاران هم تازه نباشد، مهاجرت قهرمان‌ها و مدال‌آوران المپیکی ایران سرعت دوجندانی به خود گرفته که ناگفته پیداست این امر خطرناکی است. در سال‌های اخیر، ورزش ایران دو چهره بسیار مهم را از دست داده که بابت هرکدام لطمات زیادی دیده است. کیما علیزاده، اولین و تنها مدال‌آور زن ایران در بازی‌های المپیک یکی از این چهره‌هاست. او به هلند رفت و سپس هم پناهنده آلمان شد. کیما در المپیک توکیو در همان بازی نخست نماینده ایران را شکست داد و در دست در یک‌قدمی کسب مدال برنز، فرصت تکرار افتخار آفرینی‌اش را از دست داد. دیگر چهره مهم سعید ملایی است. قهرمان پراوازه جودوی ایران که به دلیل سیاست موجود مبنی بر مسابقه‌ندادن ورزشکاران ایرانی با رقبای اسرائیلی به آلمان مهاجرت کرد، در المپیک توکیو با پرچم مغولستان به مدال نقره رسید تا اولین ایرانی این رشته باشد که دستش به مدال نقره المپیک می‌رسد. گو اینکه افتخار مدالش به مغول‌ها رسید. اگر کیما و سعید چهره‌های سرشناس و در سطح قهرمان‌های المپیکی بودند که از ایران مهاجرت کردند ولی دلایل آنها در کنار دغدغه‌های ورزشی‌شان کمی هم سیاسی بود. این موضوع ولی در مورد بیش از ۹۰ درصد مهاجران ورزشکار ایرانی صدق نمی‌کند. بسیاری از آنها فقط به این دلیل از ایران کوچ می‌کنند که یا از لحاظ مالی تأمین نمی‌شوند یا اینکه امکاناتی که باید، برایشان فراهم نمی‌شود. قصه تعدادی از این ورزشکاران هم بعضا بسیار انگیز است؛ هنوز زمان زیادی از اینکه یکی از ورزشکاران ملی‌پوش ایران به‌ خاطر دریافت ماهانه ۵۰۰ دلار، از ایران مهاجرت کرده نمی‌گذرد. اتفاقی تلخ که می‌تواند به خوبی عمق فاجعه را نشان دهد.

حال، در چنین شرایطی که مهاجرت ورزشکاران بیشتر شده و در رسانه‌های مختلف دنیا هم بازتاب داده می‌شود، انتظار این است که مسئولان رده‌بالای ورزش ایران، با برنامه‌ریزی دقیق و البته هدفمندتری مانع از کوچ بیشتر ورزشکاران از ایران شوند. درست است که در مقایسه با چند صنف، مهاجرت ورزشکاران عدد درشتی نمی‌شود ولی با توجه به اینکه قهرمانی آنها در رقابت‌های بین‌المللی بازتاب بسیار خوبی دارد، اهمیت‌شان دوجندان است. انتظار از مسئولان ولی ظاهرا فقط در حد حرف مانده چون به تازگی ذبیح‌الله پورشیب، ملی‌پوش و قهرمان کاراته ایران که مدال‌های بسیار رنگارنگی به دست آورده با حضور در برنامه سلام صبح بخیر تلویزیون، پرده از اتفاقی برداشته که بسیار عجیب است. او در صحبت‌هایش به این مورد اشاره کرده که یکی



• روزنامه

از مسئولان ورزش ایران در پاسخ به گلایه آنها برای رسیدگی بیشتر به ورزشکاران گفته هر کسی خواهد، می‌تواند جمع کند و برود، به سلامت! پورشیب در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: «خدا گواه است»؛ به امام حسین قسم، دو رئیس فدراسیون و یکی دو ورزشکار دیگر هم شاهد هستند. نمی‌دانم این مسئول از حرف من چه برداشتی کرد. به او گفتم اصلا بازیکن نه، مثلا به عنوان مربی، یک ایرانی مجبور می‌شود برود. خب به این مربی در ایران کمتر هم پول می‌دهید می‌ماند چون اینجا برایش بهتر است. حیف است، این فرد سرمایه ماست، چرا از کشور خودمان دورش کنیم. گفت: بروید، باعث افتخار است، هرکسی می‌رود، برود! وقتی این‌طور گفت حقیقتا ناراحت شدم. پیش خودم گفتم حتما با سایر ورزشکاران بدتر از اینها صحبت می‌شود.»

اینکه یکی از مسئولان رده‌بالای ورزش بخواند به جای حل‌وفصل‌کردن مشکلات، به صراحت ورزشکاران را تحریک به مهاجرت از ایران کند، در نوع خود بسیار عجیب است. جالب آنکه سمت این فرد در ورزش این روزهای ایران یکی از سمت‌های مهم است که ارتباط زیادی هم با ورزشکاران دارد. در نگاه اول مشخص است که این مسئول یا باید عضوی از کمیته ملی المپیک ایران باشد یا وزارت ورزش. برای بی‌بردن بیشتر این ماجرا کافی است به مطلبی که روز گذشته روزنامه وابسته به صداسویما منتشر کرده رجوع شود تا اولین علامت سؤال از بین برود. «جام جم» برای بررسی این موضوع از تیتز «گل به خودی وزارت ورزش» استفاده کرده تا مشخص شود مسئول مورد‌نظر، در وزارت ورزش است. پیگیری‌ها نشان می‌دهد اتفاقا کسی که پورشیب‌ها را تحریک به مهاجرت از ایران کرده، مطالب بسیار تندی در گذشته علیه ورزشکاران ایرانی که پناهنده شده و

## نسخه تکراری برای قهرمانی در فوتبال ایران؛ گل نخور قهرمان شو!

شد به ناگامی ۹ساله‌اش در فوتبال ایران پایان دهد و جام قهرمانی را بالای سر ببرد. اگرچه در میانه‌های فصل انتقاد زیادی از سبک بازی تیم فرهاد مجیدی می‌شد ولی نهایتا با کسب عنوان قهرمانی، شیوه بازی و سبک رسیدن به جام به دست فراموشی سپرده شده و همگی کسب قهرمانی جدید استقلال را لحاظ کردند. فرمی که استقلال برای رسیدن به قهرمانی اتخاذ کرد، متکی بر تقویت خط دفاعی بود. ساختار دفاعی استقلال چنان بود که این تیم رکورد میزان گل خورده در لیگ برتر ایران در طول یک فصل را تحت تأثیر قرار داد و فقط ۱۰ بار در طول ۳۰ مسابقه دروازه‌اش باز شد. جالب آنکه تیم فرهاد مجیدی به عنوان قهرمان لیگ، خط حمله چندان کوبنده‌ای نداشت و کلا ۳۹ بار گل‌زنی کرد. این موضوع وقتی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که قهرمانی‌های متوالی پرسپولیس، پیش از استقلال، در لیگ برتر مورد بررسی قرار بگیرد. پرسپولیس هم دقیقا در حالی پنج فصل متوالی قهرمان شد که در هر فصل به طور میانگین فقط ۱۴ بار دروازه‌اش باز شد. حالا به نظر می‌رسد، دلیلی ندارد فرمولی که شش سال متوالی است در فوتبال ایران جواب می‌دهد در فصل پیش‌رو، بدون جواب باقی بماند. با استناد به همین موضوع می‌شود شرایط تیم‌های مدعی را زیر نظر گرفت و به کارنامه عالی پرسپولیس در بخش تقویت خط دفاعی رسید. پرسپولیس علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی ایران را خرید و خیلی سریع با مرتضی پورعلی‌گنجی یکی از مدافعانی که قبل از مصدومیت عضوی از تیم ملی ایران بوده توافق کرد. در کنار این مورد باید به جذب کنورکی کولسیانی و دانیال اسماعیلی‌فر، دو مهره تدافعی و تأثیرگذار فصل پیش سپاهان هم اشاره کرد تا مشخص شود، یحیی گل‌محمدی تمرکزش را روی فرمول ثابت‌شده قبلی گذاشته است. اتفاقا توجه بیش از اندازه به همین بخش است که پرسپولیس‌ها را در آستانه شروع رقابت‌های فصل جدید همچنان بدون مهاجم شش‌دانگ گذاشته است. مدیران و سرمربی پرسپولیس اصرار زیادی بر اصلاح امور در ساختار تدافعی پرسپولیس داشتند و اکنون پس از تقویت خط میانی در پی خریدن یک مهاجم خارجی برآمدند. پرواضح است که در کنار پرسپولیس، چندین تیم مدعی دیگر در لیگ برتر هم ساختار تدافعی را استحکام بخشیده‌اند تا آنها هم از این قافله‌ای که آمار در لیگ برتر ایران به جا گذاشته عقب نمانند. اینکه در پایان لیگ، سیاست‌های تدافعی و فلسفه مربیگری در کدام تیم کارگشا شود، موضوعی زمان‌بر ولی جذاب خواهد بود.

بهران» در تن به آب و گل دادن بی‌محابا، نگاه

پوپولیستی و گاه وعده‌سرایی خیلی‌ها را آشکار کرد؛

یعنی پاچه شلوار گلی مترادف است با تسکین درد مردمی که خانه و زندگی، خودرو و احشام خویش را از دست داده‌اند و منتظر معجزه! شلوارهای گلی‌اند.

سیل اخیر بار دیگر به یادمان آورد که ما هیچ نوع برنامه‌ریزی، هیچ نوع ساماندهی، هیچ نوع نظارت و کنترلی، هیچ نوع آینده‌نگری بابت مشکلات بسیار نداریم. مدیریت بحران در کشوری که به لحاظ جغرافیایی و مسائل ژئوپلیتیک گرفتار مخاطرات و آسیب‌های فراوان طبیعی است، یک امر بسیار ضروری است. استقرار بخش مهمی از کشور روی کمربند زلزله، داشتن مناطق کوهستانی و دره‌های سیلاب‌خیز، وجود مناطق کویری و کاهش میزان

بارندگی در دوران خشکسالی و مسئله کم‌توجهی شهرهای حتی بزرگ به مقوله بارش‌های شدید، عمیق‌ترین و ژرف‌ترین برنامه‌ریزی مربوط به مدیریت بحران را می‌خواهد که ساده‌ترین نگرشی است که باید در حیطه مدیریت شهری به‌ویژه مدیریت شهرهای بزرگ وجود داشته باشد. داشتن تدابیر مشخص در زمینه مدیریت بحران موجب می‌شود که به هنگام خطر و فاجعه بی‌کدار به آب نزنیم؛ اما از همه غم‌انگیزتر سیل امامزاده داوود بود که در نزدیک به ۶۵ سال پیش در آنجا سیلی جاری شده بود و در همان زمان کارشناسان و متخصصان گفته بودند که این منطقه به دلیل سیل‌خیزی باید خالی از سکنه شود و تدابیر لازم برای مقابله با سیلاب در این منطقه انجام بگیرد. چه زمانی آگاه می‌شویم.

### گزارش

وزیر ورزش و جوانان:

### برخی برای من خط‌ونشان کشیدند

به گزارش ایسنا، حمید سجادی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره الزام فیفا برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها در آستانه آغاز لیگ برتر، گفت: در نامه فیفا الزامی نبود؛ بلکه پیشنهاد شده که بیرو پیگیری‌های قبلی است و ما تاکنون مشکلی هم درباره حضور زنان در ورزشگاه‌ها نداشتیم. در مشهد هم قرار نبود تماشاجی داشته باشیم و شرایط از نظر زیرساخت فراهم نبود و اعلام هم شده بود؛ اما از جامعه زنان عذرخواهی می‌کنم که نتوانستیم در مشهد میزبان زنان در ورزشگاه باشیم و از آن اتفاقی که آن روز رخ داد، هیچ‌کس خوشحال نشد. وزیر ورزش تأکید کرد: هر زمان لازم بوده و اراده کردیم با مجوز از دستگاه‌های مرتبط، زیرساخت‌ها را آماده کردیم و در ورزشگاه آزادی هم به بهترین شکل حضور داشتند. دوستان در فدراسیون فوتبال دارند بررسی می‌کنند که به مجرد شنیدن غیررسمی این خبر، جلسه‌ای تشکیل دادم و ابعاد قضیه را بررسی کردیم که بهترین راهکار را در این زمینه پیدا کنیم.

سجادی با اشاره به آخرین وضعیت پرونده ویلموتس اظهار کرد: ما وظیفه نظارتی خود را مطابق قانون داریم. هم بحث پیش‌پرداختی که اتفاق افتاده و هم ضمانتی که گرفته شده و اینکه آن شرکت بعد از آن اتفاق، ۲۵ میلیارد تومان به صورت ریالی بابت آن دو میلیون یورو فدراسیون پرداخت کرده است؛ اما چون ضمانت آن پرداخت ساختمان فدراسیون بود، الان شش‌دانگ آن ساختمان به نام شرکت شده است. سه دانگ از ساختمان پرسپولیس هم برای اینکه به نام فدراسیون فوتبال است، همین اتفاق برایش افتاده است. به خاطر آن ضمانت الان پیش‌پرداخت انجام شده و اخیرا هم رای دستیاران آمد که منتظر دو مورد پنج درصد دیرکرد پرداخت آقای ویلموتس هم هستند. واقعا عبرتی برای قرارداده‌ها و بصیرتی برای آینده است. ما پیگیری لازم را مطابق قانون انجام می‌دهیم و رسیدگی لازم صورت می‌گیرد و نتایج آن اعلام می‌شود.

وزیر ورزش تصریح کرد: ما نمی‌توانیم به این امر بی‌تفاوت باشیم. برخی به من خرده گرفتند که شما نباید به این موضوع می‌پرداختید. برخی از افرادی که ما می‌دانیم در گذشته کجا بودند، چه ردیابی دارند، خودشان هم مدیر بودند و چه عواقبی بر جای گذاشتند و مدیر چه باشگاه‌هایی بودند که از آنها اکنون هیچ اسمی نیست. برخی از آنها برای من خط و نشان کشیدند و برای من متن دادند و در فضای مجازی به دلیل اینکه وزیر وظیفه حاکمیتی خود را تشریح کرده است، به لرزه افتاده‌اند.

سجادی تصریح کرد: ما اصلا هدف‌مان نام‌بردن از کسی نیست. یک عده گفتند آقای سجادی از یک کاندیدا حمایت می‌کند، خیر. وزارت ورزش اصلا به‌هیچ‌عنوان در انتخابات فدراسیون فوتبال اجازه ورود به خود نمی‌دهد؛ اما کمک می‌کند که بهترین انتخابات شکل بگیرد و فدراسیون فوتبال از حالت سرپرستی هرچه زودتر خارج شود. بر بنده در مجلس خرده گرفتند که افرادی را که از مسیبان همین قرارداد همین چند وقت پیش بود که دو دختر وزنه‌بردار ایرانی در کنار یک شناگر ایرانی مهاجرت و پناهندگی‌شان از ایران را اعلام کردند. نکته غم‌انگیز داستان اینکه هر سه نفر نسبت به وضعیت تغذیه‌ای حاکم بر اردوی تیم ملی گلایه داشتند؛ حال ورزشکاری که با چنین شرایط و سختی باید برای رسیدن به مقام و مدال تلاش کند، مسلم است که انتظار حمایت‌های معنوی و مادی بیشتر دارد. عجیب است که چنین حمایتی بعضا نه تنها صورت نمی‌گیرد بلکه همان‌طورکه ذبیح‌الله پورشیب فاش کرده، در چند مورد، ورزشکاران ایرانی را با لفظ‌های تند، وادار به مهاجرت از ایران می‌کنند. نکته بحث‌برانگیز ماجرا هم اینکه ظاهرا انگیزه یا شاید قدرتی برای آوردن چنین مسئولانی که مدیریت‌شان تمام نمی‌شود و فقط صندلی‌شان را از جایی به جای دیگر منتقل می‌کنند هم وجود ندارد.



## یک نذر، ۱۷۰۰۰ کودک

## کمک از طریق کد دستوری:

## #۰۵۴۰۲۳\*۷۳۳\*



**محک**

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org  
کمک از طریق وب‌سایت محک

و گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آپ